

# بررسی مقاومت مذهبی زردشتیان در برابر مسلمانان در قرون اولیه اسلامی ها با نگاهی به زندو هومن یسن، شاهنامه و زردشت نامه

علامه مرتضی باطنی

می آمد.

ب- تکیه شاپور بر دین داری و حمایت خود از مغان و ایزدان و ساخت آتشکده های بی شمار در حمایت از آیین زردشتی و قراردادن موقوفات برای آن ها.

ج- جمع آوری، تلوین و ویراستاری اوستا به دست آذریاد مهراسپندان در زمان شاپور دوم.

د- کشتار مزدکیان در زمان خسرو اول انوشیروان و...

از جمله اقداماتی است که در زمان پادشاهی ساسانی در همراهی با مذهب رسمی و اعمال مذهبی صورت می گرفت<sup>۳</sup> و البته در این فرآیند آیین زردشتی زواید و احکام خشک بسیار پذیرفته و به بازوی قدرتمندی در حکومت ساسانی و اقتدارگرایی موبدان تبدیل گشته بود و از حامیان برجسته‌ی نظام طبقاتی آن روزگار به حساب می آمد. به همین دلیل وقتی که اعراب با شعارهایی همچون برابری و برادری به ایرانیان روی آوردند پذیرش دین جدید چندان هم دور از انتظار نبود و همین امر سبب گردید بنه‌ی اصلی دین زردشتی از ورود اسلام به ایران آسیب فراوان یابد و در طی دو یا سه قرن از حالت دین غالب به جانب دین حاشیه کشیده شود. این تفوق اسلام سبب گردید که زردشتیان و به خصوص بزرگان ایشان هم چون اثر فرنیغ، زاد سپرم جوان جمان موبد و دیگر موبدان ها از دو عنصر اساسی در ادیان به طور عامل و دین زردشتی به طور خاص - در مواقع ضعف و سستی - یعنی:

الف- پیش گوئی و بیان اقوال کهن در توجیه موقعیت حاضر

ب- بازنگری و توجه دوباره به آموزه های دینی و اثبات برتری خود نسبت به سایرین روی آوردند<sup>۴</sup> و به همین سبب پس از حمله ی اعراب و استقرار اسلام شاهد این دو رویه در آثار زردشتی هستیم. از یک سو رسالتی همچون گجسته ابالیس و مناظراتی از این دست در اثبات عقاید زردشتی حتی با حضور خلیفه ی اسلامی و بزرگان سایر ادیان وجود دارد و از دیگر سو نوشته هایی همچون زند و هومن یسن و جاماسپ نامک و بعدتر زراتشت نامه ی زردشت بهرام پژدو در بیان اقوال کهن در توجیه فرودستی حاضر دوباره نویسی شده یا پدید می آیند.<sup>۵</sup>

به سخن دیگر موبدان از اعتقادات خود استفاده می کردند تا توضیح دهند که چرا زردشتیان در جامعه ی ایران به طبقه ی زیردست تبدیل شده اند و البته تکیه ی خاص این موبدان در این موقعیت خاص بر شروع آخر زمان و به اصطلاح دور آهن گومیخت است.

نتیجه ی این امر در نخستین سده های حکومت اعراب بر

□ یکی از شدیدترین دگرگونی ها در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران به تأیید اکثر محققین و مورخین پس از حمله ی اعراب به ایران به وقوع پیوست. چنانچه تغییرات بنیادین و غیرقابل برگشت در ذهن و زبان تبار ایرانی برجای گذارد. بحث بر سر آن که چه عواملی باعث شد گروه فرودست و کم تعداد و در عین حال بی بهره از امکانات نظامی و بینش های تئوریک اقتصادی و سیاسی عرب، نه تنها امپراتوری ساسانی را با آن ساختارهای پیچیده و منسجم و در عین حال تثبیت شده متلاشی کند و حتی به خفت و خواری از مردمان این حکومت بزرگ به برده گیری و خراج ستانی بپردازد و تا چندین قرن پس از آن به استشهد کتب تاریخی قدیم آن ها را سگ خویشتن ناشناس نیم کافر بنامد موضوع این گفتار نیست.<sup>۱</sup> بلکه می خواهیم از منظری دیگر به بازشناسی هر چند مجمل نوعی مقاومت منفی ایرانیان در مقابل اعراب اموی و عباسی بپردازیم. در این جا باید این نکته را متذکر شد که ورود سپاهیان مسلمان به ایران اگرچه در ابتدا به آسانی و سرعت صورت نپذیرفته اما به هر حال اندیشه هایی که ایشان به همراه خود آورده و در سرزمین ایران منتشر ساخته اند به طور قطع می توانسته در نظام طبقاتی آن روزگار پذیرش خوبی داشته باشد. تکیه فراوان ایشان بر برابری های اجتماعی، سیاسی و نژادی که به همراه مبلغانی از سوی خود ایرانیان و در رأس آن ها سلمان پارسی<sup>۲</sup> همراه گردیده می توانسته است تا حدود زیادی شانس پیروزی را دو چندان کند.

اما آن چه مقاومت های فکری، فرهنگی و سیاسی بعدتر ایرانیان را برانگیخته تفاوت قول و فعل اعراب اموی و سپس عباسی در اشاعه ی ایندولوژی اسلام بود.

از آن جا که حمله ی اعراب به ایران سبقه ی مذهبی داشته پس آن چه بیش از هر چیز در این میان موقعیت خود را در خطر می دید دین غالب ایرانیان و آن مذهب زردشتی بود.

دین زردشتی پس از فراز و فرودهایی که در طول تاریخ خود پشت سر گذارده بود چنانچه هر ایندولوژی و جهان بینی از یک نهاد اجتماعی و فردی مصلح به بازوی قوی و در عین حال اجرایی حکومت بدل گردیده و مشروعیت بخش پایه های سلطنت شده بود. این که در طول پادشاهی ساسانی به چند مورد مشخص در ارتباط وسیع و هم پای دین و حکومت برخورد می کنیم موبدی بر این مدعا است. مواردی همچون:

الف- احیای آیین زردشتی در ابتدای شاهنشاهی ساسانی توسط اردشیر پسر بابک که بابک خود موبد بزرگ آنهایتا در استخر به شمار

سرزمین‌های ایران پیش‌بینی روز رستاخیز با تمرکز روی اشغال مسلمانان بود.<sup>۶</sup>

در ابتدای انتشار این پیش‌گویی‌ها نام اعراب یا تازیان به صراحت ذکر نمی‌گردید و در توجیه آن می‌توان شدت عمل اعراب را در برخورد با پیروان زردشت که از آن‌ها به مجوس تعبیر می‌کردند ذکر کرد. به همین سبب شاهنم که در ابتدا این گونه سخنان با کنایه و ایما نقل می‌شود چنان که در زادسرم و زندگی‌ها، زاد سرم جوان جلمن موبد که در شهر سیرکان (سیرجان) در اواخر سده‌ی سوم هجری می‌زیسته این گونه پیش‌گویی پس از واقعه را بیان می‌کند که «در سال سیصدم، روز تبدیل به شب خواهد شد زیرا در آن زمان دین مورد غفلت قرار خواهد گرفت و...»<sup>۷</sup>

اما با گرویدن هرچه پیش‌تر ایرانیان به اسلام و گسترش نفوذ و نفرات اعراب در سرزمین ایران، موبدان و مولفان زردشتی خود را مجبور می‌بینند که با پیروان شان صریح‌تر و بی‌پرده‌تر سخن بگویند به همین سبب در کتبی هم‌چون زند و هومن یسن اوصاف و خصوصیات شان را بازشناخت و می‌شود که طی آن‌ها می‌توان اعراب و خصوصیات شان را بازشناخت و به صراحت این عقیده مطرح می‌شود که مسلمانان عرب مقارن آخرین روزهای بشریت - بنا به اعتقاد پیروان مزدیسنا - به ایران هجوم آورده و دستاوردهای آنان را به باد فنا می‌دهند.<sup>۸</sup>

برای آشنایی بیش‌تر با چنین تفکراتی به بررسی مختصری در رساله‌ی زند و هومن یسن می‌پردازیم: زند و هومن یسن با یهمین‌یسته رساله‌ی کوتاهی ست مشتمل بر ۹ بخش کوتاه که هر کدام از آن‌ها به نام در خوانده می‌شوند عمده‌ی مطالب آن شامل یک رشته حوادث است راجع به آینده‌ی ملت و دین ایران که اورمزد وقوع آن‌ها را به زرتشت پیش‌گویی می‌کنند این پیش‌بینی‌ها هر کدام در دوره‌ی مشخصی اتفاق می‌افتد و قسمت عمده‌ی متن کتاب را دوره‌ی ماقبل آخر که هنگام تاخت و تاز «دیوان ژولیده موی از تخم‌های خشم» و اهریمن‌نژاد چرمین کرمان تشکیل می‌دهند.<sup>۹</sup> آن‌چه در این رساله جالب توجه به نظر می‌رسد این است که زردشتیان بنا به مفاد آن‌چه با اعتقاد به تقدیر و چه غیر آن تفوق و برتری اعراب را درک کرده‌اند ولی در عین حال آن‌را بر خود امری سنگین و سخت به حساب می‌آورند چنان‌که در سرتاسر این رساله می‌توان جلوه‌های بی‌شمار شکست را در تفکر زردشتیان آن روزگار مشاهده کرد. به‌طور مثال در بند ۱۱ در نخستین اورمزد به زردشت می‌گوید: «و آن آهن آلود (هنگام) فرمانروایی بی‌دانه‌ی دیوان ژولیده موی از تخم‌های خشم است چون دهمین صد سال توبه سر رودای سپیتیمان زردشت» و البته این معنی در بند ۲۹ در سوم نیز تکرار می‌شود.

یا در بند «۲۶» در چهارم آمده است که «اندر آن هنگام سخت ای سپیتیمان زرتشت (هنگام) فرمانروایی خشم سخت نیزه و دیوان ژولیده موی از تخم‌های خشم آن پست‌ترین بندگان به‌خلوندی ده‌های ایران فراز رونب».

بر مبنای این آیات از این آمیزش، در گفتار و کردار و اندیشه‌ی مردمان دیگرگونی پدید می‌آید که خصوصیاتشان از گونه‌ی دیگر است. در چنین موقعیتی فضایل به تأویل تبدیل می‌گردند و جلوه‌های انسانی و مزدایی به کردارهای اهریمنی تعبیر ماهیت می‌دهند. در این رساله در توصیف خصوصیات این چنین مردمانی آمده است:

ایشان را پایداری در گفتار، پیمان، راستی و آیین نیست و زنهار نذرند و به گفته‌های خود استوار نیاشند (بند ۹، در چهارم ص ۳۹)، مهرورزی بزرگ دیگرگونه باشد (بند ۱۳، در چهارم ص ۳۹) / مهر پلر از پسر و برادر از برادر

برود... و خواهش مادر از دختر جدا و دیگرگونه باشد (بند ۱۴، در چهارم ص ۴۰) / در آن بهترین هنگام یک مرغ را بیش‌تر گرمی می‌دارند تا آن مردم دیندار ایران را (بند ۲۱، در چهارم ص ۴۰) و در همه‌ی جهان مرده را چال کنند و مرده را بگسترانند و نهان کردن مرده و شستن مرده و سوزن‌ان و بردن مرده به آب و آتش و خوردن مردار را به داد گیرند و نهریزند (بند ۲۳، در چهارم ص ۴۰) / و آنان چنان فرمانروایی کنند بد کنند که مرد آشوبی نیک و مگسی را کشتن به چشم ایشان هر دو یکی باشد (بند ۶۰، در چهارم ص ۴۶) / به این ترتیب مشخص می‌شود موبدان زردشتی که از اوضاع جوامع ایرانی و زردشتی به‌خصوص در قرون اولیه پس از اسلام راضی نبودند آن‌چه را از دیگر گشت روزگار به چشم می‌دیدند از زبان اورمزد طی پیش‌گویی‌هایی به زردشت بیان کرده‌اند و با این عمل تا حدودی به توجیه وضع موجود خود نیز می‌پرداختند.

اما پس از آن که اظهار ناراضیاتی فراوان طی جملات و بندهای پایایی از آخرین هزاره‌ی زردشتی و غلبه‌ی دیوان ژولیده موی بیان می‌گردد. در بند هفتم زردشت از اورمزد چه‌گونگی تباہ کردن این بدکشیشان را جویا می‌شود اورمزد از هوشیبر و تولد وی سخن می‌گوید و شمه‌ی اوصاف او را بیان می‌کند. هوشیبر به دستگیری گروهی بی‌شمار از مردمان سیستان، پارس، خراسان، هرات و تبرستان که بدو می‌پیونددند در کنار اروند سه کلزار کند و از آن زمان دوباره اقبال به ایشان روی کند و پشتون با یکصد و پنجاه پیروش، شعارهای سه‌گانه‌ی پندار، گفتار و کردار نیک را تحقق می‌بخشد و دیگربراه امشاسپندان یک‌یک ظاهر می‌شوند بهرام ورجوند پایگاه دین را به داد و راستی استوار می‌سازد.

پس از آن که در نهم به ۱۸۰۰ سالگی زایش هوشیبر اشاره می‌کند به آن‌جا می‌رسد که در انتهای گفتار اورمزد به درخواست آتش و آب سام اوستایی را زنده می‌سازد و او آزی دهاک را که نماد پلیدیست با گرز پیروزگر نابود می‌کند و پس از آن سوشیانس بازآفریدگان را ویژه کند و رستاخیز و تن پسین بود.

بخش‌های نهایی یعنی از در هفتم تا در دهم چنان‌که گفتیم بیانگر بازگشتن شکوه گذشته به دین بهیست و این روشن کننده‌ی این امر است که زردشتیان اگرچه ضعف و شکست را پذیرفته‌اند ولی باز هم چه از لحاظ مصلحت‌سنجی دینی و چه از لحاظ باورهای کهن خود به تقویت روحیه‌ی پیروان و زنده نگاه‌داشتن امید در ایشان می‌پردازد.

در مقابل این موارد که در سخنان موبدان و پیروان زردشتی جاری و ساری‌سته باید به‌سوی دیگر جریان نیز نگاه کنیم و آن پیش‌گویی‌هایی از این دست در کتب شعر و نثر فارسی در همان قرون ۳ و ۴ هجری‌سته باید گفت ما نیز نظیر چنین پیش‌گویی‌ها را در ادب فارسی هم داریم و پر رنگ‌ترین آن‌ها در شاهنامه‌ی فردوسی، ضمن پیش‌گویی‌هایی است که رستم فرخزاد طی نامه‌ی به برادرش عنوان می‌کند.

این نامه که از لحاظ محتوایی نزدیکی بسیار به مطالب رسالاتی از نوع زند و هومن یسن دارد بیانگر این واقعیت نیز هست که حتا ایرانیان مسلمان نیز چندان رضایتی از لوضاع نداشتند. پس از برافتادن حکومت ساسانی، چندی خلفای فاسد اموی و پس از آن خلفای عباسی و حکومت‌های دست‌نشانده و یا مشروعیت‌گرفته از خلفا در ایران پا می‌گیرند. تا پیش از ظهور دولت‌هایی هم‌چون طاهریان و صفاریان ایرانی طعم تلخ سیادت عرب بر عجم را می‌چشد و پس از آن طی مجدالاتی سیاسی و نظامی حکومت در دست سامانیان دیری نمی‌پاید و غلامان ترک نژاد غزنوی روی کار می‌آیند. دسایس و عوام‌فریبی‌های بی‌شمار پدید

می‌آورند یک چند به بهانه‌ی غزو و جهاد هند را پایمال ستوران و سپاهیان می‌کنند و بعد دارهای ۲۰۰ گانه در ری برپا می‌کنند<sup>۱۱</sup> و قرمطی می‌کشند تفکر جنمی اشعری پدید می‌آید و پادشاه سرگرم حمله به غوره، هند و خوارزم می‌شود. دانشمند فقیه عهد مسعود ساکنین های شراب می‌نوشد و بعد مصلی نماز می‌گستراند.<sup>۱۱</sup>

اگرچه به ظاهر ساختارهای منظمی بر سر کار است ولی در زیر این نظم، آشفتگی و عدم ثبات خود را پنهان ساخته است. در چنین شرایطی ست که اکثر مورخان و نویسندگان و شعرا ایرانی اظهار نارضایتی خود را به طرق مختلف بیان می‌کنند و حتی یکی از دلایل پدید آمدن تفکرات زهدآمیز و ریاضت طلب تصوف را در همین فساد حکومتی و اجتماعی قرون اولیه‌ی خلافت اموی و عباسی جست‌وجو می‌کنند.<sup>۱۲</sup>

به همین دلایل چندان دور نیست که فردوسی هم با زبان حماسی و البته آئینومبار از زبان رستم فرخزاد به وصف و نقد روزگار هم‌عصرش بپردازد و سخنانی را بیان کند که قرابت معنایی بسیاری با گفته‌های رسایل زردشتی مذکور در قبل دارد.

آنچه فردوسی از زبان رستم فرخزاد می‌گوید البته همان چیزی است که در رسالتهای هم‌چون زند و هومن پس آمده با این تفاوت که گوینده‌ی آن یک مسلمان شیعه است مسلمانی که هنوز بر پیوندهای استوار ایرانی پابرجاست. بر طبق گفتار فردوسی، رستم فرخزاد آن‌گاه که از طریق اضطراب و اخترشناسی بر شکست ایرانیان از اعراب واقف می‌شود نامه‌یی به برادرش می‌نویسد و طی آن تا چهارصد سال پس از آن پیش‌گویی می‌کند. در این پیش‌گویی‌ها رستم فرخزاد بر شکست ایران و از هم‌پاشیدگی تاج و تخت و سپاه شکوه می‌کند و از این‌که آیین‌های ایرانی متروک و سفالگان بر امور مستولی خواهند شد ابراز نارضایتی می‌کند. بهتر است از زبان خود فرزندی طوس بشنویم:

کزین پس شکست آید از تازیان

ستاره نگرود مگر بر زبان

برین سالیان چارصد بگذرد

کزین تخمه گیتی کسی نسپرد...

تبه گردد این رنج‌های دراز

شود ناسزا شاه گردن فراز

نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر

ز اختر همه تازیان راست بهر...

کشاورز جنگی شود بی‌هنر

نژاد و گهر کم‌تر آید به بر

ریاید همی این از آن، آن از این

ز نفرین ندانند باز آفرین

بداندیش گردد پسر بر پدر

پدر هم‌چنین بر سر چاره‌گر

شود بنده‌ی بی‌هنر شهریار

نژاد بزرگی نیاید به‌کار

از ایران و از ترک و از تازیان

نژادی پدید آید اندر میان

نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود

سخن‌ها به کردار بازی بود...

نه جشن و نه رامش نه کوشش نه کام

همه چاره و تنبل و ساز دام...

زبان کسان از بی سود خویش

بجویند و دین اندر آرند پیش

نباشد بهار از زمستان پدید

نیارند هنگام رامش نبیید...<sup>۱۳</sup>

در کنار آن‌چه فردوسی از زبان رستم فرخزاد بیان کرده است منظومه‌ی دیگری نیز به‌نام زرتشت‌نامه از زرتشت بهرام پژدو داریم که در سال ۶۴۷ یزدگردی مطابق ۱۲۷۸ میلادی سروده شده است. در این اثر هم نویسنده پس از شرح احوال زرتشت در آخر کتاب پیش‌گویی‌های زرتشت را چنان‌که در بهمن پشت آمده است ضمیمه می‌کند. بر طبق این ابیات که در بازساخت دور آهن گمیخت است زردشت بهرام سخنانی بر زبان می‌آورد که مشابهت معنایی بسیار با سخنان فردوسی دارد. به‌طور مثال وی می‌گوید:

بهفتم از آن شاخ آهن گمیخت

ز گیتی بدان‌گه بیاید گریخت

مر آن‌را که باشد دلش دین‌پژوه

ز دین دشمنان جانش آید ستوه

به بیداد کوشند یکبارگی

ندانند جز بر رجب بارگی

بدانگه هر آن‌کس که باشد بتر

بود هر زمان کار او خوب‌تر

پس این دین پاکیزه لاغر شود

همان مرد دیندار کهنتر شود

بسی نامداران و آزادگان

که آواره گردند از خاک و مان

برآیند با یک‌دگر ترک و روم

درافتند در هم چو باد سموم

همی‌دون بیابند قوم عرب

برانگیخته شر و شور و شغب

تنی کشته گردد ز هر دو گروه

ز کشته بهر مرز بر کوه کوه

شود مرز ایران سراسر تباه

ز ترک و ز تازی و رومی سپاه

نیارد پدر یاد فرزند خویش

از آن رنج و سختی که آید به پیش<sup>۱۴</sup>

منظومه‌ی زرتشت‌نامه نیز چنان‌که سایر کتب از این دست سخنانی کم و بیش در انتقاد از اوضاع روزگار و البته رنج به‌دینان و زرتشتیان و از بین رفتن آیین‌های کهن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد. لایه‌های زیادی بوده‌اند در ایران که تا قرن هفت و هشت هجری هنوز به نقد و انکار اعراب می‌پرداخته و از آن‌ها برائت می‌جسته‌اند. البته با گذشت زمان و انتقاد خود مسلمانان از اوضاع نابسامان و در ثانی در اقلیت قرار گرفتن پیروان زردشت و رانده شدن آن‌ها به حاشیه ساختارهای اجتماعی نقدهایی از این‌گونه نیز به مرور کم شده و البته خود زردشتیان هم امید کم‌تری به آمدن بهرام و هوشیگر و سوشیانس و سایر ایزدان و برقراری مجد گذشته‌ی دین‌شان از خود نشان داده‌اند. در هر حال بررسی و توجه به این متون علاوه بر آن‌که ما را به فهم ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران در قرن‌های اولیه پس از اسلام آشنا می‌سازد، می‌تواند توجیه‌گر تفاوت‌های نگرش

# پیام و درس های شاهنامه

ایرانیان با اعراب در زمینه‌ی مذهب، تفکر و اندیشه‌ورزی باشد و حتا تا حدودی زمینه‌های شکل‌گیری قیام‌های سیاسی امثال بابک خرم‌دین، مازیار، ابن مقفع و ابو مسلم خراسانی و جنبش‌های فکری شعوبیان و اخوان الصفا و صوفیان را در بسترهای خاص اجتماعی پس از حمله‌ی اعراب مشخص می‌سازد. ■

## کتابشناسی

- ۱- تاریخ بهمنی، ابوالفضل بهمنی دبیر، تصحیح دکتر غنی و دکتر فیاض، صفحه‌ی ۱۷۵ و ۱۷۶، برای بررسی پیش‌تر در حیطه‌ی جنگ‌های اولیه‌ی مسلمانان با ایرانیان می‌توان به کتاب‌هایی همچون دو قرن سکوت، دکتر عبدالحسین زرین کوب، ستیز و سازش، جمشید کرشاسب چوکسی، تاریخ ایران از تالیفات دانشگاه کمبریج به‌خصوص جلد سوم، فصل ۱۰ و ۱۱، دکتر عباس میلانی و... مراجعه کرد.
- ۲- نفوذ مسلمانان را می‌توان چه در جریان مشاوره‌های نظامی در جنگ خندق، چه در خلیفه‌ی مسلمانان از ما اهلیت است و چه در حکمرانی او بر نواحی فارس شاهد بود.
- ۳- تاریخ ایران، کمبریج، جلد سوم، قسمت دوم، صفحه‌ی ۲۸۸، ۲۰۵ و همچنین کلاه گوشه‌ی نوشین روان، دکتر باستانی پاریزی، صفحه‌ی ۲۰۶ به بعد.
- ۴- برای اطلاعات پیش‌تر در این خصوص رجوع کنید به ستیز و سازش، جمشید کرشاسب چوکسی، فصل دوم و سوم، صفحه‌ی ۶۵ به بعد.
- ۵- ستیز و سازش، صفحه‌ی ۷۱، ۶- همان، صفحه‌ی ۷۱، ۷- همان، صفحه‌ی ۷۱ و ۷۲، ۸- پیش‌گفتار زند و هومن یسن، صافق هدایت، صفحه‌ی ۱۹ به بعد.
- ۹- همان، صفحه‌ی ۹.
- ۱۰- قصیده‌ی معروف فرخی سیستانی با مطلع: «ای ملک گیتی، گیتی تو راست / حکم تو بر هر چه تو خواهی رواست»، در ملح محمود غزنوی گواه این مدعاست. رجوع کنید به دیوان حکیم فرخی، تصحیح دکتر دبیر سیاقی، قصیده‌ی ۱۰، صفحه‌ی ۱۸ تا ۲۱.
- ۱۱- تاریخ بهمنی، مشحون از این رویدادها و حوادث است و البته در شناخت بسیاری از جریان‌های تاریخی، هیبتی و اجتماعی عصر غزنوی و اندکی پیش از آن بسیار شایان دقت و توجه است.
- ۱۲- جست‌وجو در تصوف، دکتر عبدالحسین زرین کوب.
- ۱۳- شاهنامه‌ی فردوسی، به کوشش پرویز تاپکی، صفحه‌ی ۲۳۳۹ تا ۲۳۴۳.
- ۱۴- زردشت‌نامه، زردشت بهرام یزدو، به کوشش صادق هدایت بخش ۵۸، دور آهن گمخت.

## منابع و مآخذ

- ۱- زند و هومن یسن و زراشت‌نامه، به کوشش صادق هدایت، انتشارات جاویدان، تهران، ۲۵۳۷.
- ۲- ستیز و سازش، جمشید کرشاسب‌چوکسی، ترجمه‌ی نادر میرسیدی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۳- تاریخ بهمنی، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بهمنی دبیر، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، انتشارات خواجه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۴- شاهنامه‌ی فردوسی، به کوشش پرویز تاپکی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، جلد چهارم.
- ۵- کلاه گوشه‌ی نوشین روان مغ، دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۶- دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- ۷- دو قرن سکوت، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات جاویدان، چاپ ششم، بهمن ماه، ۲۵۳۵.
- ۸- جست‌وجو در تصوف ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- ۹- تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد سوم، قسمت اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۱۰- شاهنامه‌ی ایران باستان، هاشم رضی، دوره‌ی پنج جلدی، انتشارات سخن، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

□ شاهنامه‌ی فردوسی، این گنجینه‌ی بزرگ که برای شناخت بزرگی و ارج آن واژه‌یی در خور نمی‌توان یافته در بردارنده‌ی پیام‌ها و درس‌هایی‌ست که به راستی می‌توان گفت کیستی «شخصیت» ایرانیان به‌نام ایرانی و با داشتن زبانی به‌نام زبان فارسی در نسخه‌یی بزرگ برخاسته از این دفتر جاودان است. زمانی یک استاد ایرانی به مصر می‌رود و در آن‌جا در گفت‌وگو با استاد بزرگ دانشگاه الازهر، شیخ شلتوت از استاد مصری می‌پرسد: استاد شما با داشتن این شاروندی (تمدن) و فرهنگ بزرگ دبیرین چرا عرب شدید و ما ایرانیان ایرانی و فارسی‌زبان به‌جا ماندیم. استاد ایرانی می‌گوید: با شنیدن این پرسش من استاد بزرگ مصری اشک از دیدگانش روان شد و گفت: «برای آن‌که شما فردوسی داشتید و ما نداشتیم» به‌راستی باید گفت سخن دوست درباره‌ی به‌جا ماندن ما ایرانیان، در فراز و نشیب‌های بیکران تاریخ همان سخنی‌ست که استاد مصری گفته است. برای روشن شدن گفته‌ی استاد مصری بهتر است از خود شاهنامه‌ی یاری بگیریم. از داستان بی‌مانند: «رستم و سهراب» داستان رستم و سهراب در زمینه‌ی ماندگاری ما ایرانیان در درازنای تاریخ در بردارنده‌ی درس بس بزرگی در پس زمان و بویژه در این زمان است. در داستان رستم و سهراب، سهراب از زبان مادرش از بودن پدرش رستم آگاه می‌گردد:

چنین گفت سهراب کاندر جهان  
کسی این سخن را ندارد نهان  
بزرگان جنگ آور از باستان  
ز رستم زنند این زمان داستان  
نبرده نژادی که چونین بود  
نهان کردن از من چه آیین بود  
کنون من ز ترکان جنگ‌آوران  
فراز آورم لشکری بیکران  
برانگیزم از گاه کاووس را  
از ایران ببرم بی طوس را  
به‌رستم دهم تخت و گرز و کلاه  
نشامش بر گاه کاووس شاه...  
بگیرم سر تخت افراسیاب  
سر نیزه بگذارم از آفتاب  
چو رستم پدر باشد و من پسر  
نباید به گیتی کسی ماجور  
چو روشن بود روی خورشید و ماه  
ستاره چرا بر فراز و کلاه  
ز هر سو سپه شد بر او انجمن  
که هم با گهر بود و هم تیغ‌زن